

ماجرای عشق و عاشقی میدون

شهرداری وشهروندنداری



پوریا عالمی

● من میدون هستم. میدون دوم، عاشق سوфіا. بابای سوفیا اما عاشق من نیست. دیروز هم که رفتم خواستگاری و گفتم سوфіا را بده من، بابای سوفیا گفت: پسر، می‌دانی که من روی وطن و ناموس و پرسپولیس و مسائل کارگری حساسم. دیروز هم توی خیرها خواندم که «شهرداری سندج خبر فوت پاکبان سنندجی بر اثر گرسنگی و ضعف را تکذیب کرده» و گفته «این پاکبان در خرداد سال ۹۰ به علت ضعف جسمانی در محل کارش بی‌حال شده و پس از انتقال به بیمارستان و بستری شدن متأسفانه فوت می‌کند».

نظر کارشناسی تو چیست؟

گفتم: ما توی محله‌مان به کسی که «به علت ضعف جسمانی در محل کارش بی‌حال شود» می‌گوییم از گشتگی مرده. ولی شهرداری سندج فرهنگ لغت خودش را دارد.

بابای سوفیا گفت: همین که شهرداری سندج نگفته این پاکبان بر اثر سیری و پر خوری فوت کرده باید خدا را شکر کنیم.

گفتم: کلا شهرداری‌های دنیا این‌طوری هستند با شهرداری‌های ما این‌طوری‌اند؟ یعنی اگر مردم در انتخاب شهردار نقش اصلی داشته باشند و نسیارند به شورای شهر، فکر نمی‌کنی شهردارها دلسوترز شوند؟

بابای سوفیا گفت: پسر، مگر داری با مسئولان صحبت می‌کنی؟ من از کجا بدانم؟ گفتم: حالا که من خوب ظاهر شدم، سوفیا را می‌دهی به من؟ نتیجه‌گیری: مشکل از ماست که فکر می‌کنیم شهرداری‌ها باید شهروندداری کنند.

تخته سبز

جاده‌هایی که به ناکجاآباد ختم می‌شود



مژگان جمشیدی

● در وضعیت موجود که کشور با بحران‌های متعددی در حوزه آب و خاک و تنوع زیستی مواجه است، اهمیت شبکه مناطق حفاظت‌شده که تنها ۱۰ درصد خاک سرزمین را تشکیل می‌دهند دوچندان می‌شود. البته اگر به یاد داشته باشیم که عمده این مناطق تنها تم «حفاظت‌شده» را روی کاغذ با خود یدک می‌کشند و به‌ندرت نشانی از حفاظت اصولی در آنها دیده می‌شود عمق فاجعه نیز دوچندان می‌شود.
بالین‌همه، هفته گذشته بدون توجه به همه فشارهایی که روی آخرین بازمانده زیستگاه‌های ایران وجود داشته، کلنگ جاده‌سازی در قلب یکی دیگر از پارک‌های ملی کشور به زمین خورد. جایی که اتفاقاً آخرین محدوده رویشی جنگل‌های هیرکانی در مازندران و بسیار حساس و شکننده است و تخریب آن می‌تواند در سال‌های آتی موجب بروز سیل‌های ویرانگر دیگری در شهرستان نکا شود. «پارک ملی پابند» اکنون سیزدهمین پارک ملی ایران است که قرار است قربانی جاده‌سازی‌های غیراصولی شود.
بلدوزرها حدود یک کیلومتر در منطقه پیشروی کرده اما با ممانعت محیط‌بانان متوقف شده‌اند. این رخداد تلخ در شرایطی است که مطابق قانون، هرگونه عملیات عمرانی در هر ابجادی حتی در حد بوت‌کنکی هم در پارک‌های ملی ممنوع اعلام شده است ولی بی‌توجه به این ممنوعیت، حالا قرار است نزدیک به پنج کیلومتر از جاده‌ای که قرار است دو روستا در دامغان و نکا را به هم وصل کند از میانه جنگل‌های هیرکانی و از قلب پارک ملی پابند عبور داده شود.

اینکه چرا هنوز در حوزه محیط‌زیست اغلب درها روی همان پاشنه بی‌تدبیری می‌چرخد جای بحث فراوان دارد ولی نکته پیداست وقتی حتی بین مسئولان و کارشناسان و حتی محققان محیط‌زیست اعتقادی قلبی به حفظ طبیعت وجود ندارد وقوع چنین رخدادهایی در پارک‌های ملی دیگر نباید دور از انتظار باشد. شاید اگر این اعتقاد در روح جمعی جامعه محیط‌زیست کشور و به‌ویژه بدنه مدیریتی سازمان متولی از گذشته تا امروز وجود می‌داشت، که قانون و ملاحظات کارشناسی مقدم بر هم مصلحتی است، اراضی ذخیره‌گاه زیست‌کره میانکاله و آشوراده برای توریسم متمرکز و ناپایدار هرگز واگذار نمی‌شد.
بدیهی است زمانی که یک‌بار سازمان محیط‌زیست در برابر خواسته‌های غیرقانونی دیگر دستگاه‌ها عقب‌نشینی می‌کند، عقب‌نشینی‌های بعدی نیز در پی خواهند آمد تا جایی که در بعضی موارد حتی مجریان طرح‌ها با خود را مکلف به رعایت قانون نمی‌دانند و کار خود را می‌کنند یا محیط‌زیست را تحت فشار گذاشته یا مانند فرماندار نکا مهلت ۴۸ ساعته به سازمان محیط‌زیست می‌دهند تا جاده‌سازی را در پارک ملی پابند بار دیگر آغاز کنند و درست به‌همین دلیل است که پارک‌های ملی کلاه قاضی، قمیشلو، بمو، گلستان، نای‌بند، سرخ‌حصار، خجیر، تنگ صباد، تندوره و حتی دریاچه ارومیه و بختگان هم با جاده‌های متعدد قطع و تک‌پاره شده‌اند.

شرق روزنامه

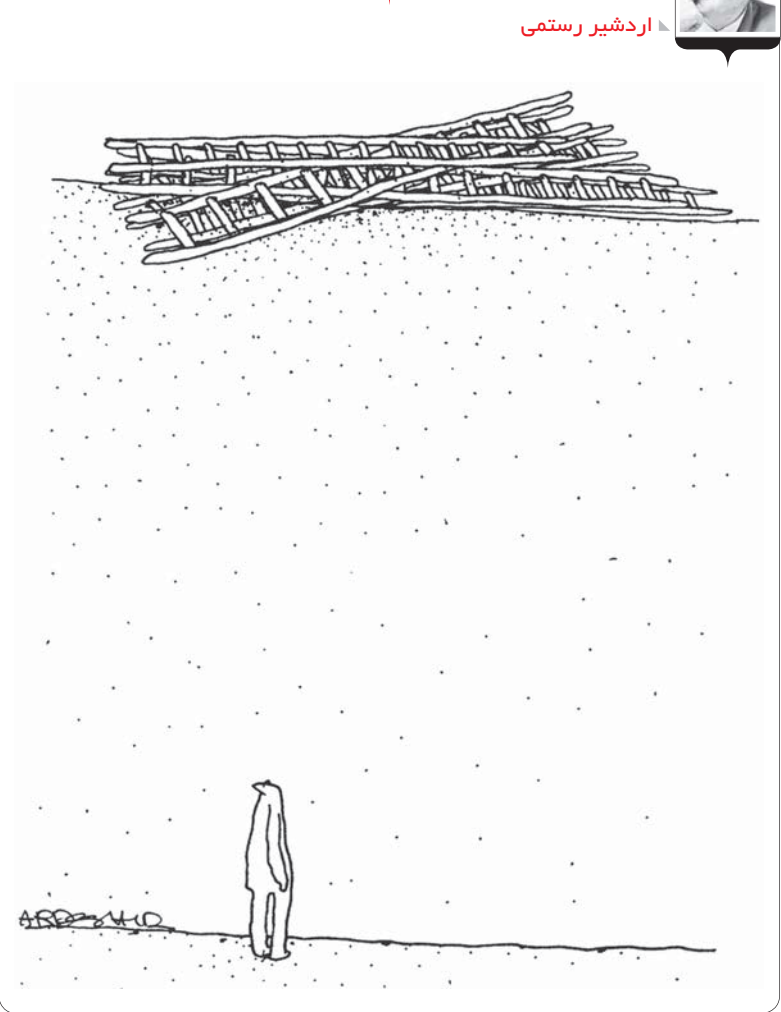
پنجشنبه ۶ خرداد ۱۳۹۵ • ۱۹ شعبان ۱۴۳۷ • ۲۶ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۹۲ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۲ • اذان صبح فردا ۴:۰۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

روزنفر۱۰



اردشیر رستمی

کارتون خواب



روایت

دومین کاربرد وام‌های قرض‌الحسنه در ایران، برای آزادی زندانیان است
تماس‌هایی که زندان‌ها را خالی می‌کند



مهناز افضلی

مستندساز

واژه «کمک»، یکی از انسانی‌ترین واژه‌های روی زمین است. وقتی که پیام درخواست کمک می‌شنوید، به‌عنوان یک انسان نمی‌توانید رو برگردانید یا با بی‌توجهی، «نه» بگویید؛ خصوصاً وقتی که پای آزادی زندانیان از بند در میان باشد، «نه‌گفتن به خانواده‌ای که در شرایطی چنین سخت به‌سر می‌برند کاری نشدنی است. گاه خانواده زندانیان از شهرستان‌های خیلی دور، درخواست کمک برای آزادی زندانی‌شان را دارند؛ زندانیانی که می‌توانند با مقداری پول آزادی خود را به دست آورند؛ تماس‌هایی که هیچ برنامه‌ریزی ازپیش‌تعیین‌شده‌ای نمی‌تواند برایش اعمال شود؛ تماس‌هایی که جنبه هماهنگی دارد و برقراری ارتباط بین شبکه‌ای از خیرین و دوستان هستند که مایلند نقش مثبتی در رشد اجتماعی خود و جامعه اطرافشان داشته باشند و هدف معرفی این دو گروه به یکدیگر است.

در استان تهران، درخواست کمک برای آزادی زندانیان بیشتر از دیگر استان‌های کشور است. بعد از تهران، استان‌های شمالی کشور قرار دارند و آرام‌آرام هرچه به سمت جنوب کشور برویم، باز هم چنین تقاضاهایی مطرح است به‌طوری‌که همین حالا از استان بوشهر، جمعی جوانی که مرتکب قتل شده، توانسته‌اند پس از گذشت دوسال از زندان او، موفق به اخذ رضایت از اولیای دم مقتول شوند و حالا نیازمند کمک مالی برای پرداخت دیه هستند. می‌توان با انتشارخبر وضعیت بد خانواده زندانی در روستایی که در نزدیکی کنگان استان بوشهر قرار دارد، از خیرین کمک خواست تا این جوان زندانی به نزد همسر ۱۸ساله و پسر سه‌ساله‌اش بازگردد

پیشنهاد

نمایشگاه نقاشی سهیلا دیزگی به نام «برزخ» در نگارخانه کمال‌الدین بهزاد تهران برگزار می‌شود. افتتاح این نمایشگاه شنبه، در تاریخ هشتم خرداد خواهد بود و دوستداران هنر نقاشی می‌توانند در این روز، از ساعت ۱۷ الی ۲۰ به دیدن آثار دیزگی بروند و بازدید از این تابلوها در روزهای بعد، از ساعت ۱۱ صبح تا ۸ شب امکان‌پذیر است. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از آثار به نگارخانه کمال‌الدین بهزاد واقع در بلوار کشاورز، نبش خیابان ۱۶ آذر، پلاک ۲۸۴ مراجعه کنند.

اتفاق

«برجام» وجایزه «کن»



صادق زیباکلام

کم نیستند کسانی که معتقدند اهدای دو جایزه در کن برای ایران، بی‌ارتباط با برجام نیست. دست‌کم برخی از آنها این نظر را با طعنه می‌گویند. اینکه آن جوایز به انگیزه‌های سیاسی به اصغر فرهادی و شهاب حسینی داده شده است. به‌نظر آنها اگر برجامی در کار نمی‌بود، ای‌بسا جوایزی هم اهدا نمی‌شد. در قطب مقابل کسانی هستند که چندان ارتباطی میان «کن» و «برجام» نمی‌بینند. آنان برعکس گروه «شکاکان» معتقدند کن سیاسی نیست و دو جایزه‌ای که به «فروشنده» داده شد، مبین ارزش هنری و سینمایی است که از نظر داوران کن، اصغر فرهادی و شهاب حسینی استحقاق دریافت آن را داشته‌اند. حقیقت کدام است؟ آیا جوایز ایران و اساساً مکانیسم انتخاب بهترین‌ها در جشنواره‌های بین‌المللی ازجمله کن صرفاً بر مبنای سینما انجام می‌شود و هیچ رگه‌ای از «سیاست» در آن وجود ندارد؟ یا اینکه آن‌گونه که شکاکان و مخالفان جشنواره‌های بین‌المللی در ایران می‌گویند، اهدای این گونه جوایز کاملاً با انگیزه‌های سیاسی صورت می‌گیرد؟

احتمالاً حقیقت یک جایی در این میانه است. نه می‌توان گفت تصویری که از ایران در اذهان بین‌المللی است، مطلقاً تأثیری روی هیأت داوران در کن، هالیوود یا برلین نمی‌گذارد و نه می‌توان گفت اگر به جای «فروشنده»، هر فیلم دیگری از ایران به جشنواره می‌رفت، به واسطه انگیزه‌های سیاسی در رابطه با برجام یا حاضر می‌شد «سیانمایی» کند. به هر حال جایزه‌ای به آن داده می‌شد. تصویر مثبتی که در نتیجه برجام از ایران در عرصه بین‌المللی به وجود آمده و رفتار مؤدب، متین و حاکمی از احترام وزیر امور خارجه ایران، دکتر طریف در طول سه سال گذشته نسبت به همتایان غربی و غیرغربی‌اش، یقیناً بر تصمیم‌گیری داوران کن بی‌تأثیر نبوده است. نه آن داوران ریز زمین زندگی می‌کردند نه در کوه‌ها و شهاب حسینی و استعداد شگرف اصغر فرهادی را هم نادیده گرفت. جدایی‌ناز در اسبیم فرهادی اتفاقا در اوج رویارویی‌های هسته‌ای به وی اهدا شد. بنابراین هر قدر هم که انگیزه‌های سیاسی را به اسکار، کن و سایر جوایز بین‌المللی نسبت دهید (آن‌گونه که بسیاری از سینماگران دولتی نسبت می‌دهند) نمی‌توان به‌هرحال عنصر هنر و سینما را نادیده گرفت. بهترین دلیل درستی این نگاه، موفقیت سینمای غیردولتی در داخل خود ایران است. کافی است سریال «شهرزاد» را با «معمای شاه» مقایسه کنید. استقبال از لایه‌های فرهیخته و تحصیل‌کرده جامعه از آثار غیردولتی از جمله شهرزاد و درعوض عدم استقبال آنان از سینمای دولتی در قالب معمای شاه، مبین آن است که تجزیه و تحلیل نهایی هنر غیردولتی با استقبال بسیار گسترده‌تری از جانب مخاطبان روبه‌رو می‌شود. دقیقاً به این

خاطر است که سینمای اصغر فرهادی، عباس کیارستمی یا جعفر پناهی هم در کن، هالیوود یا برلین با استقبال بیشتری مواجه می‌شود تا سینمای دولتی ایران. به بیان دیگر، همان دلایلی که باعث می‌شود شهرزاد با چنان موفقیتی در داخل کشور روبه‌رو شود و متقابلاً معمای شاه به بن‌بست برسد، همان دلایل هم باعث می‌شود هیأت داوران کن تحت‌تأثیر فروشنده اصغر فرهادی و بازیگری شهاب حسینی قرار گیرند.

فراخوان

قلیان‌هایمان را گلدان کنیم

فرهنگی را به ذهن متبادر می‌کنند. در کمپینی که در شرف به‌راه‌افتادن است قرار است:
- بسیاری از مردم، هنرمندان، مشاهیر، دانشمندان، سیاستون و ورزشکاران قلیانی را در جلو دوربین تبدیل به گلدان کنند و همان‌جا از افرادی دیگر بخواهند که به این کمپین بپیوندند.
- قلیان گلدان‌شده نماد این کمپین خواهد بود.
- بسیاری از مردم که قلیانی واقعی در خانه دارند با ارسال تصویر گلدان‌شده آن به کمپین خواهند پیوست.
- رستوران‌هایی که به این کمپین می‌پیوندند می‌توانند از این نماد در ورودی خود یا در تابلو خود به‌عنوان «رستوران پاک» استفاده کنند.
- در اماکن عمومی به‌خصوص مطب‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی، کتاب‌فروشی‌ها و... یک قلیان گلدان‌شده می‌تواند تزئینی مناسب و نماد پیوستن به این کمپین باشد.
- مردم با مراجعه به مغازه‌های قلیان‌فروشی می‌توانند به وسع خود تعدادی قلیان برای گلدان‌کردن بخرند. گلدان قلیانی می‌تواند شکل برتر و فرهنگی گلدان باشد.
- هنرمندان، نقاشان و طراحان می‌توانند با آفرینش تصویر قلیان گلدان‌شده از نگاه خود، به این کمپین بپیوندند.

روایت

مدرسه‌سازان ۶میلیاردی

اما همین لحظه که دارم با شما صحبت می‌کنم، در زاهدان و در کنار معاون نوسازی و مشارکت‌های مردمی آموزش‌وپرورش استان سیستان‌وبلوچستان هستم و در حضور ایشان می‌گویم که استان سیستان‌وبلوچستان محروم‌ترین استان کشور در زمینه مدرسه است. درحال‌حاضر ۹۶ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل در این استان داریم. این در حالی است که در دیگر استان‌ها تعداد این دانش‌آموزان دو، سه یا درنهایت پنج هزار نفر است. این تعداد دانش‌آموز بازمانده از تحصیل فاجعه است. تازه این عدد یک سال پیش ۱۲۰ هزار نفر بود که با کمک خیرین به این استان بخشی از نیاز سیستان‌وبلوچستان به مدرسه‌سازی مرتفع شد. باید امروز بگوییم استان سیستان‌وبلوچستان را دریابید. **■** **با این تعداد دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل حضور خیرین چقدر می‌تواند شمرتمر باشد؟**

آموزش‌وپرورش یک بخش صرف‌کننده است و همیشه هم بودجه؛ آموزش‌وپرورش چون بازده فوری ندارد، درواقع به چشم هزینه دیده می‌شود و در ایران هم کمترین بودجه به آن اختصاص پیدا می‌کند. با این‌س بودجه پایین، آموزش‌وپرورش چطور می‌تواند هم مدارس نو بسازد و هم مدارس قبلی را نوسازی کند؟ تازه ما در ساخت مدارس با نسبت‌های مختلف ۳۰-۷۰ یا ۵۰-۵۰ مشارکت می‌کنیم و جالب اینکه خیلی وقت‌ها رفته‌ایم و دیده‌ایم در پروژه‌های مشارکتی که قرار بوده آموزش‌وپرورش مدرسه را تجهیز کند، این کار را نکرده است. درواقع آموزش‌وپرورش توان تهیه ساده‌ترین چیزها مثل وسایل ورزشی برای ساعت ورزش دانش‌آموزان را ندارد و باز هم ما مجبور شدیم دست به دامان خیرین شویم و خوشبختانه خیرین با طیب خاطر این کارها را انجام می‌دهند؛ به‌ویژه اگر مسئولان استان‌ها همکاری کنند که کارآفرینان و فعالان اقتصادی از این امر خیر استقبال می‌کنند.

■ وضعیت مشارکت خیرین در ساخت مدرسه در استان سیستان‌وبلوچستان چطور است؟

خیلی خوب است؛ چون مسئولان نوسازی مدارس و مشارکت‌های مردمی آموزش‌وپرورش این استان‌ها و نهایت همکاری را می‌کنند. در خیلی از استان‌ها این همکاری را نداریم. در این استان وقتی قرارداد می‌بندند، روی تعهدشان می‌ایستند و مدارس باکیفیت، مطابق استاندارد و مقاوم می‌سازند؛ اما همان‌طور که گفتم، این استان به کمک‌های بیش از اینها احتیاج دارد.

همین حوالی

از پلمب قهوه‌خانه‌ها تا «فست‌دود»

یک قلیان یک‌بار مصرف با تمام تجهیزات لازم جهت روشن‌کردن، با قیمت ۱۸هزار تومان با قابلیت ارسال به نقاط مختلف تهران قرار گرفته است. «فست‌دود» در این روزها چنان توجه قرار گرفته که شماره‌های درج‌شده در این آگهی، در برابر تماس‌های خبرنگار «شرق» بی‌پاسخ‌اند. اما سؤال اینجااست که آیا برخورد گسترده با قهوه‌خانه‌هایی که در آنها، قلیان عرضه می‌شود، راه را برای «فست‌دود»‌های مشابه هموار نمی‌کند؟ این سؤال‌ای است که سرپرست اتحادیه قهوه‌خانه‌داران، مایل به پاسخ‌گویی به آن نیست، اما از یک سو، تهران پر شده از قهوه‌خانه‌های مجوزدار و بی‌مجوز که به شکل عربی‌ترین شده‌اند و از سوی دیگر به جای قهوه‌خانه‌ها، می‌توان قلیان را به راحتی در بسیاری از پارک‌ها و خیابان‌های شهر، از دست‌فروشان غیرمجاز تهیه کرد.

شرق: رئیس پلیس اماکن نیروی انتظامی تهران، از آغاز برخورد با قهوه‌خانه‌های بدون مجوز خبر داده است؛ قرار است هشت هزار قهوه‌خانه فاقد مجوزی که در کشور شناسایی شده‌اند، پلمب شوند. این در حالی است که سرپرست فعلی اتحادیه قهوه‌خانه‌داران تهران از توضیح بیشتر دراین‌باره خودداری می‌کند.
بالین‌همه یکی از مطلعان این حوزه که نتخواست نامش در این گزارش بیاید، به «شرق» می‌گوید: در صورت جدیت بیشتر از سوی اتحادیه، امکان داشت برخورد کمتری با قهوه‌خانه‌ها صورت بگیرد. برخورد با قهوه‌خانه‌های بدون مجوز، موضوع تازه‌ای نیست؛ اما در هفته‌های اخیر، یکی، دو خبر عجیب‌وغریب به این مسئله دامن زده است. اولین موضوع، انتشار گسترده عکس‌هایی از «فست‌دود» یا «قلیان یک‌بار مصرف» بود که با واکنش‌های زیادی همراه شد. در تصویر این آگهی،